

## جنبه‌های زیباشناختی نشان‌های ملی (سلطنتی) دوره دوم پهلوی ایران و بریتانیا با تأکید بر استعاره‌ها

### چکیده

با توجه به اهمیت استعاره‌ها در طراحی دو نشان سلطنتی پهلوی دوم ایران و بریتانیا، پرسش این است که تأثیر کاربرد استعاره‌ها در درک زیبایی‌نمایی نشان‌های سلطنتی/ملی این دو کشور چیست؟ هدف و مسیر بر این اساس است که تجزیه و تحلیل و ترکیب عناصر ساختاری به سمت تشخیص نوع استعاره و ویژگی‌های زیباشناختی آن‌ها پیش برود. روش پژوهش در تجزیه و تحلیل نشان‌ها توصیفی-تحلیلی است و در بر شمردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، تطبیقی است. روش گردآوری اطلاعات، اسنادی است. رویکرد پژوهش متکی به آرای نظریه‌پردازان حوزه شناختی و زیباشناختی است. یافته‌ها نشان می‌دهد اشتراک ویژگی‌های ساختاری بیشتر از تفاوت‌های دو نشان است. از جنبه معنایی، نشان بریتانیا به لحاظ تعدد عناصر تشکیل‌یافته، پربارتر است. معانی هر کدام از عناصر در نشان‌ها متأثر از شرایط سیاسی و مذهبی و پیشینه فرهنگی و تاریخی آن کشور است، بعد معنوی در نشان بریتانیا پررنگ‌تر است و در نشان پهلوی دوم بعد تاریخی مشخص‌تر است، زیرا دوره پهلوی همه دوره‌های پرافتخار تاریخی را در نشان گرد هم آورده است. در نشان بریتانیا، تعداد استعاره‌های مجاورتی کمتر از استعاره‌های ترکیبی است. در این نشان، نقش انسجام به عنوان ویژگی زیباساز قوی است. نشان پهلوی دوم، استعاره‌های مجاورتی بیشتری دارد. در نشان پهلوی دوم، پیچیدگی به معنای تعدد عناصر مهم‌تر از انسجام و وحدت‌یافتگی است. با تکیه بر دستاورد این پژوهش تأثیرگذاری طراحی نشان بریتانیا بر نشان پهلوی دوم و نیز شناسایی مسیر جهت‌گیری نشان‌های این دو کشور در آینده به واسطه میثاق‌ها و اهداف مهم از جنبه‌های ساختاری، معنایی و زیباشناختی آسان‌تر می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** نشان سلطنتی/ملی، استعاره، زیبایی، پیچیدگی، وحدت.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ساجده نیکیان، با عنوان: تحلیل تأثیر زیباشناختی استعاره‌ها در نشان‌های ملی شش کشور جهان با رویکرد شناختی است.

### ساجده نیکیان

کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.  
[sajdeh.nikian@semnan.ac.ir](mailto:sajdeh.nikian@semnan.ac.ir)

### فریده آفرین

دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، نویسنده مسئول.  
[f.afarin@semanan.ac.ir](mailto:f.afarin@semanan.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱-۰۷-۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱-۱۰-۱۹

1-DOI: 10.22051/PGR.2023.41903.1190

## مقدمه

فرهنگی انگلیس و ایران» این رابطه را از جنبه فرهنگی بررسی کرده و آن را از زمان فتحعلی شاه در دوره قاجاریه جدی تر از پیش انگاشته کرده است. پارسون و فال، (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با نام «پرچم‌های سلطنتی انگلیس» در کنگره بین‌المللی پرچم‌شناسی، عناصر مشترک پرچم‌های انگلیس را در دوره‌های مختلف بررسی کرده‌است. با وجود اینکه در این مقاله به بُعد استعاری عناصر پرچم‌ها و زیبایی آن‌ها اشاره نشده، ولی دستاوردهای آن به کار برده شده‌است. درباره عناصر و استعاره‌های نشان ملی بریتانیا و درجه زیبایی آن پژوهش خاصی به زبان فارسی نگاشته نشده و تطبیقی بین نشان ملی پهلوی دوم و بریتانیا از منظر استعاره‌ها و زیبایی آن‌ها در پژوهش‌های مدون فارسی انجام نشده است.

## روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعات تطبیقی، با رویکرد تحلیل محتوا و گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی، انجام گرفته‌است. استعاره آشکارا نشان می‌دهد معنای آن چه در یک نشان دیده می‌شود، همان نیست که مستقیم به آن اشاره می‌کند، بلکه آن چه دیده می‌شود افزون بر زنده کردن معنای اولیه آن، معنای ثانوی یا مفهومی دیگر را در پی خواهد داشت. بر این اساس، استعاره تصویری همچون استعاره مفهومی مبدأ تصویرنگاشت و مقصد مفهوم‌نگاشت دارد که از آرای پیشگامان حوزه استعاره تصویری برداشت شده‌است. متناسب با مبحث‌های پژوهشگران عرصه استعاره شناختی و دیگر پیشگامان در حوزه استعاره تصویری برای تکمیل جنبه‌های زیباشناختی و برای پی بردن به انسجام یا وحدت عناصر استعاری نشان‌ها به آرای نظریه‌پردازان رویکرد فلسفی-زیباشناختی (هاچسون) اتکا شده‌است. معیار انتخاب هاچسون، میزان نزدیکی آرای او در این زمینه به نظریه‌پردازان شناختی به ویژگی درباره پیچیدگی و جنبه تکمیل بخشی با آن‌ها در باب انسجام یا وحدت‌یافتگی بوده‌است.

## مبانی نظری

در نمایش استعاره، مبدأ و مقصد از دو عالم متفاوت هستند. مبدأ استعاره همان شیء به نمایش درآمده در قالب فیزیکی است و مقصد استعاره یعنی مفهوم انتزاعی مد نظر را از طریق تصویرسازی به مخاطب منتقل می‌سازد. چارلز فورسویل<sup>۲</sup> را می‌توان پیشگام در حوزه استعاره تصویری<sup>۳</sup> دانست. بر اساس بررسی‌های او، برای معرفی یک تصویر یا مفهوم تصویری (مقصد استعاره) می‌توان آن را به یک تصویر یا مفهوم دیگر (مبدأ استعاره)

پژوهش بر آن است تا وجوه زیباشناختی نشان‌های سلطنتی در دوران پهلوی دوم و بریتانیا را با تأکید بر استعاره‌ها برای مقایسه آن‌ها بررسی کند. در مبحث‌های لیکاف و جانسون درباره استعاره‌های مرتبط با زیبایی، بحث‌هایی کوتاه و گزیده مطرح شده‌است. در مباحث زیباشناختی به سبب تناسب بحث‌ها و تمرکز بر شرط زیبایی صوری اعیان، از نظریه‌های فرانسیس هاچسون<sup>۱</sup> برای تکمیل مبحث‌های پژوهشگران مورد اشاره بهره گرفته شده‌است. نشان اول متعلق به دوره محمدرضا پهلوی است که از سال ۱۳۲۰ ش. (۱۹۴۱ م.) به سلطنت رسید و تحت حمایت انگلیس بود. از زمان کودتا از ۱۳۳۲ ش. (۱۹۵۳ م.) تحت حمایت آمریکا هم قرار گرفت و با انقلاب ۱۳۵۷ ش. (۱۹۷۸ م.) طومار سلطنتش در هم پیچیده شد. نشان سلطنتی بریتانیا منتخب این پژوهش از سال ۱۸۳۷ تا ۱۹۵۲ م. و پس از به قدرت رسیدن ملکه الیزابت دوم، از سلسله ویندسور از سال ۱۹۵۲ م. تاکنون با تغییرات کوچکی به حیات خود ادامه داده‌است. روابط ایران و انگلیس و شیوه حکومت سلطنتی یا پادشاهی آن‌ها از اشتراک‌های دیگری بوده که چنین انتخاب و مقایسه‌ای را ممکن کرده‌است. طراحی نشان‌های ملی از جنبه تأثیرگذاری گسترده در درون و بیرون مرزها و برای آشکارسازی هدف‌های سیاسی و ملی و بین‌المللی و ارتباطی هر کشوری از حساسیت بالایی برخوردار است. مطالعه سیر تحول تاریخی نشان‌ها، هدف‌های سیاسی و اقتصادی و آرمان‌های یک کشور را در یک بازه زمانی و مسیر تغییرات بعدی آن روشن می‌کند.

## پیشینه پژوهش

ذکا، (۱۳۴۴) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم تا امروز»، به طور متمرکز گوناگونی و بسیاری نشان شیر و خورشید را تا دوران پهلوی بررسی کرده‌است. این مقاله، دارای اهمیت تاریخی است و اطلاعات بسنده‌ای از آن در این پژوهش به کار رفته‌است. تفاوت پژوهش حاضر این است که فقط به بررسی نشان شیر و خورشید در نشان پهلوی دوم بسنده نمی‌کند و تطبیق همه عناصر نشان پهلوی دوم با نشان بریتانیا را در اهداف خود قرار می‌دهد. ایمن شهیدی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «مقایسه روابط ایران و انگلیس در دوره پهلوی اول و دوم»، درباره رابطه سیاسی و اقتصادی ایران و انگلیس در دوره پهلوی اول و دوم بر اساس نظریه‌های ژئوپولیتیک، میلیتاریستی، تهدید قومیت، دست‌نشان‌دگی پژوهش کرده‌است. مدیر شانه‌چی، (۱۳۸۸) در اثر «رابطه

تبدیل نمود (کاشانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۹). دو پژوهشگر حوزه تبلیغات با نام گیوزپاس و هاگ، در بررسی حالت نمایش استعاره‌های تصویری از دو اصل ترکیب و مجاورت یاد می‌کنند. در اصل ترکیب، تصاویر استعاری به صورت جزئی (مجاز) به نمایش در می‌آیند و در کنار هم قرار می‌گیرند. در اصل مجاورت، تصاویر استعاری (استعاره) به صورت کامل به تصویر در می‌آیند (Gkiouzepas & Hogg, 2014: 118) و به صورت کلی تصویر جانشین چیزی دیگر یا معنا می‌شود.

انواع حرکت از چپ به راست و برعکس از درون به بیرون و نیز مرکز و حاشیه و از بالا به پایین و موارد مشابه ساختار نشان تجزیه می‌شود و مطابق با انتظارات، معانی القایی بیرون کشیده شده و برای مرحله بعد یعنی تشخیص نوع استعاره آماده می‌گردد. از دید نگارندگان این پژوهش، استعاره که در بطن شناخت بشر شکل می‌گیرد، هنگامی که بر اساس اصل مجاورت تشکیل شود، یعنی کل مبدا جایگزین کل مقصد شود استعاره مجاورتی و هنگامی که یک جز معنادار جای یک کل معنادار را بگیرد، استعاره ترکیبی یا مجاز به وجود می‌آید. اصل حاکم بر استعاره یا قاعده آن مجاورت و ترکیب است. افزون بر این، زیبایی استعاره در نشان‌ها، تمامی جنبه‌های تجربه‌های انسان یعنی رنگ، صدا، بافت و موارد مشابه را شامل می‌شود (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۳۴۷). برای نمونه، رنگ‌ها هم به صورت بصری در هر کشوری کارکردی استعاری می‌یابند و هم به زیبایی نشان‌ها می‌افزایند. روی هم رفته، استعاره‌های تصویری به واسطه پیشینه‌مضمون‌های فرهنگی، در هر ملت و گاهی به صورت بین‌المللی به طور مشترک فهم‌پذیر می‌شوند. به گفته لیکاف و جانسون، هر زمان که انسجام جدیدی خلق شود یا به انسجام جدیدی توجه شود که خارج از روال متعارف انسان برای درک و اندیشیدن است، تجربه زیباشناختی شکل می‌گیرد (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۳۴۶). برای رسیدن به زیبایی، انسجام، یا هم‌گونگی در عین چندگونگی<sup>۱</sup>، به سخن دیگر، وحدت در کثرت یا وحدت بخشیدن به تمام عناصر نشان، مهم انگاشته می‌شود. از آن جا که منظور از انسجام در سطح، بر مبنای دیدگاه لیکاف و جانسون به اندازه کافی روشن نیست و انسجام با خرق عادت یا آشنائزایی همراه شده است، این پژوهش برای آشکارسازی بیشتر به آن از آرای هاچیسون بهره برده است. بنا بر آرای هاچیسون، ذوق دارای ویژگی‌هایی است از جمله «بی‌واسطگی، غیرارادی، غیرشناختی؛ فطری و ضروری بودن.» (Hutcheson, 1973: 36) از دید این متفکر، ویژگی‌هایی که حس زیبایی را

در انسان بر می‌انگیزد، تناسبی مرکب از (همگونگی درون چندگونگی) است. تشخیص این ویژگی را حس مشترک انسان‌ها بر عهده دارد (لاکست، ۱۳۹۰: ۳۱). همگونگی، به وحدت و گاهی به نظم تعبیر شده و از چندگونگی، کثرت و گاهی پیچیدگی هم برداشت شده است. درجه بالای وحدت و همگونگی، شی یا شکل را وارد آستانه زیبایی می‌کند. اشیا تا آن جا که دارای نظم پیچیده باشند، منشأ لذت و زیبایی‌اند. نتیجه اینکه هاچیسون بین دو شکل که اجزای کمتری دارد، شی ساده را زیباتر می‌داند و درباره اشیا دارای اجزای زیادتر پیچیدگی و تعدد را موجب زیبایی در نظر می‌گیرد. نکته‌های اشاره شده بیان دیگری از انسجام جدیدی است که از کنار هم قرار گرفتن مجموعه یا کثرتی از عناصر (که ممکن است هر کدام استعاره باشند) در یک سطح به دست می‌آید.

#### یافته‌ها

#### بررسی استعاره در نشان ملی (سلطنتی) دوران پهلوی دوم

حرکت بصری در سراسر نشان (تصویر ۱)، ما را به شناسایی عمق معانی عناصر و از آن جا به تشخیص نوع استعاره آن عنصر قادر می‌سازد. بر مبنای جدول (۱) و بررسی انجام شده روی نشان سلطنتی پهلوی دوم، حرکت از درون به بیرون، دایره سپر، را آشکار می‌کند که حکایت از مقاومت در مبارزه و جنگ‌آوری دارد. شیر کنار سپر و شیر موجود در ربع بالایی سپر، می‌تواند نشانی از برج اسد باشد. برج اسد خوش‌یمن بود. پادشاهان اغلب به برج اسد برای تاج‌گذاری به نیت خوش‌یمنی و برکت‌آوری برای سرزمین جایگاه ممتازی می‌دادند. افزون بر این، چنین ترکیبی در حرکت مرکز و حاشیه، اهمیت نیروی مرکزی را القا می‌نماید. قرارگیری نشان دوره اول پهلوی در بخش تحتانی و تاج پهلوی در راس نشان، هم‌فضایی و ارتباط میان عناصر را به نمایش می‌گذارند؛ نشان پهلوی اول، در ارتباط با تاج پهلوی عمل می‌کند. تاج پهلوی، را پادشاه به جای دستاری آراسته به بته‌جقه و پرهایی در تاهای آن در دوره صفویه و تاج کیانی قاجاری روی سر می‌گذارد و ترکیبی از یک کلاه مخمل و تاج مدور کنگره‌دار به نظر می‌رسد (آفرین و نیکیان، ۱۴۰۱: ۸۹).

نشان پهلوی اول متشکل از دایره‌های مرکزی و چهار تاج در اطراف آن، کوه دماوند و خورشید تابان در وسط دایره است. خورشید برآمده از دماوند در مرکز سپر نشان پهلوی دوم دیده می‌شود. از آن جا که کوه در ارتباط با خدایان است و از جنبه ارتفاع، نزدیک به آسمان‌هاست، دارای نیروی قداست است

شیر در بیرون نشان و درون سپر، تکرار شده و به کثرت عناصر وحدت و هماهنگی بیشتری بخشیده است. شباهتی را میان شمشیر عمودی قرار گرفته در دستان شیرها و شمشیر دو لبه ذوالفقار می‌توان مشاهده نمود. قرارگیری عمود و آماده‌باش دو شیر نر یال‌دار در دو سوی سپر، یکی پادشاهی و دیگری حضرت علی (ع) و به دست گرفتن دو شمشیر عمودی، مفاهیم مقاومت، دلیری، ایستادگی را تداعی می‌کند. دو شیر با شمشیر، شیرهای نگهبان اطراف دروازه‌های کاخ‌ها و معابد سلطنتی دوره هخامنشی را به یاد می‌آورد و نمایانگر نگهبانی از میراث تاریخی، فرهنگی و تمامیت ارضی ایران است. شمشیر شبیه هلال ماه و گل پنج پر بالای آن شبیه ستاره است. هلال ماه و ستاره، نشان از اسلام (بروس میتفورد، ۱۳۸۸: ۲۸) و شمشیر دو لبه ذوالفقار حضرت علی نشان از مذهب تشیع دارد. در پایین‌ترین بخش از نشان سلطنتی، بخشی از شعر فردوسی «مرا داد فرمود و خود داور است» مشاهده می‌شود که روی نواری آبی نگاشته شده است. قضاوت کردن پیش‌تر از وظایف پیامبران بود که برخی از پادشاهان الهی مانند طالوت، داود و سلیمان هم آن را انجام می‌دادند. پادشاهانی که حلقه قدرت دریافت می‌کردند، حکم کردن و داعیه اجرای عدل در قضاوت را به عنوان سایه خداوند ادامه دادند.

تمام اجزای مرتبط (جدول ۲) چون سپر، تاج و مدال در کلیت اندامواری گرد هم آمده‌اند و شبکه رمزگانی


(نصرتی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). همچنین، دماوند افزون بر اشاره به زادگاه رضاشاه، در اساطیر ایرانی جایگاهی ماوراءالطبیعی داشته است؛ چراکه کوه در ایران به واسطه ایزدبانوی میترا با خورشید ارتباط دارد. مهر پیش از بالا آمدن خورشید از پس کوه دماوند بالا می‌آمده و ایرانیان را می‌نگریسته است (بهنام، ۱۳۹۴: ۳۶۰). از سایر عناصر سپر مرکزی می‌توان به نقش فروهر، نشان ملی شیر و خورشید، سیمرغ ساسانی و شمشیر ذوالفقار اشاره نمود (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷). از منظر بال‌داربودن و از نظر نورانیت، سیمرغ با فروهر شباهت می‌یابد (اختیاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱). ایرانیان برای اشاره به نیروی مینوی نشانی را بهتر از فروهر نیافتند و در نقش برجسته‌های پیش از اسلام، فروهر را در قالب قرص بال‌دار به تصویر کشیدند؛ سیمرغ تا پیش از شکل‌گیری اسلام به عنوان نیروی آگاه به تمام علوم دوران خویش شناخته می‌شده که سه بار شاهد ویرانی دنیا بوده و از این جنبه، نماینده خدای خدایان و فرشته مقرب جبرئیل به شمار می‌آمده است. افزون بر آن، سیمرغ نر، مفهوم خورشید و سیمرغ ماده مفهوم ماه دارد. ارتباط اندام‌وار هر یک از اجزا، با هم شیر و خورشید، فروهر و سیمرغ و شمشیر را به نمایندگی از دوره‌های تاریخی ایران به هم مرتبط می‌کند. در ادامه، حرکت از بالا به پایین مفهوم امتداد پادشاهی پهلوی در ادامه دوران اساطیری، تاریخی و پادشاهی‌های با شکوه و مهم ایران را القا می‌کند.



تصویر ۱: نشان سلطنتی پهلوی دوم. (منبع (URL 1))

جدول ۱: بررسی انواع حرکت چشم بر اجزا و معانی القایی مورد انتظار در نشان ملی (سلطنتی) ایران (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱؛ منبع تصویرها: (URL1))

عنوان	شمایل طرح	تشریح
حرکت از درون به بیرون		مفهوم اعمال قدرت داخلی و در برگیری دوره‌های تاریخی پیشین و داشته‌های فرهنگی تاریخی را به همراه دارد.
حرکت از مرکز به حاشیه از حاشیه به مرکز		اهمیت پاسداری از عناصر مرکزی یعنی تاریخ، فرهنگ، میراث فرهنگی و تمامیت ارضی را القا می‌کند.
حرکت از بالا- پایین		اهمیت سلطنت و پادشاهی و داد و عدالت او از مفاهیم مستخرج از این نوع حرکت است.
حرکت از پایین به بالا عمود بودن		بر اساس این حرکت، ایستادگی و مقاومت، پاسداری و حفاظت از مرزها، تمامیت ارضی و حیطة تحت سلطه، از مفاهیم دو شیر نر ایستاده القا می‌شود.
حرکت از پایین به بالا بیرون نشان از بالا به پایین درون نشان		ارتباط اندام‌وار هر یک از اجزا همچون ارتباط شیرخورشید، فروهر و سیمرغ و حرکت از بالا به پایین مفهوم پادشاهی در امتداد دوران تاریخی و پادشاهی‌های با شکوه و مهم ایران را القا می‌کند. با حرکت از پایین به بالا مفهوم پاسداری برجسته می‌شود.
حرکت از پایین به بالا بیرون نشان از بالا به پایین درون نشان		با نگاه از محیط بیرونی دایره به درون مفاهیم ایستادگی و نگهبانی از میراث تاریخی، فرهنگی و تمامیت ارضی ایران تداعی می‌شود.
حرکت از کل- جز و جز- کل		کل نشان یک استعاره و نمایانگر دوره پهلوی دوم است که خود متشکل از اجزا در قالب مجاز یا استعاره است.

<p>اتحاد حاصل در این نشان، به دلیل تکرار عنصر شیر در طرفین و درون سپر موید پادشاهی و حضرت علی است. رنگ آبی، زرد، قرمز و آکر پر تکرار است.</p>		<p>حرکت بین عناصر مشابه و تکراری در طرح و رنگ</p>
---	--	---

به دلیل ارتباط با نور، در زمان ادغام با چهره یک فرد یا یک مکان، معنای تقدس و تبرک می‌بخشد (فرهود و سیاحی، ۱۳۹۶: ۱۰۸). در این نشان، زرد به صورت بصری در ترکیب رنگی شمشیر، شیر، خورشید به کار رفته است. در شیر خورشید، رنگ زرد، استعاره از برکت و فزون بخشی است. زرد طلایی در اسلام و هنر اسلامی زیاد به کار رفته و کاربرد فراوان آن نمایانگر نور، روشنی، خرد و مصلحت است (بروس میتفورد، ۱۳۸۸: ۱۱۸). آکر و قهوه‌ای به کار رفته در این نشان افزون بر اشاره به زمین برای به تعادل رساندن رنگ‌ها به کار رفته است. واژه آبی، خود ماهیتی استعاری یعنی منسوب به آب دارد. در تفکر ایرانی نیز نماد پاکی و معنویت است و به این سبب در معماری مساجد اسلامی کاربرد فراوان داشته است (استوار، ۱۳۹۱: ۲۲). در این نشان، آبی در نوار پایین می‌تواند به رنگ واقعی حمایل شاه به ادعای حق شاهی و عدالت اجرا شده توسط او اشاره کند. آبی در فیروزه روی تاج شاهی هم با کاربرد طبیعی دیده می‌شود. افزون بر این، رنگ‌ها به دلیل ماهیت جانشینی‌شان با معانی مختلف القایی، استعاره مجاورتی در نظر گرفته شده‌اند. رنگ آبی، زرد و قرمز به ترتیب روشنی و معنویت، روشنایی، خرد و برکت، خوش‌یمنی و سعادت را به عنوان مقصد بر می‌گزیند. رنگ آبی و زرد، (ترکیبات آکر و قهوه‌ای) به همه کثرت‌ها با تکرار وحدت بخشیده است. روی هم رفته، با توجه به تحلیل جدول (۲)، تعداد استعاره مجاورتی و ترکیبی تقریباً برابر به نظر می‌رسد. هر چه تعداد استعاره مجاورتی با اصل مجاورت (کل به جای کل دیگر) بیشتر باشد، تنش طرح بیشتر و پیچیده‌تر است. پس از ویژگی پیچیدگی، وحدت و هم‌گونگی باعث ورود نشان استعاری به آستانه زیبایی می‌شود.

#### بررسی استعاره‌ها در نشان ملی (سلطنتی) بریتانیا

بر مبنای جدول (۳) و بررسی انجام شده روی نشان سلطنتی بریتانیا (تصویر ۲)، شیر انگلیسی که برداشتی از ریشه قرون وسطی آن است، در دو بخش بالای تاج و سمت چپ نشان سلطنتی قرار گرفته است. شیر در صدر نشان، با توجه به حالت قرارگیری مسیح

تأییدکننده بدن شاهی (ارکان سلطنت) را پشتیبانی می‌کنند. در این نشان، شبکه رمزگانی تأکیدکننده بدن شاهی (ارکان سلطنت) به راه می‌افتد.

#### استعاره‌های تصویری و زیبایی آن‌ها در نشان ملی (سلطنتی) پهلوی دوم

حرکت چشم و معانی القایی مورد انتظار در جدول (۱)، نشان می‌دهد در جدول (۲)، تاج، مجاز یا استعاره ترکیبی برای مفاهیم مادی مانند سلطنت و قدرت پادشاهی، شیر استعاره یا استعاره مجاورتی برای محافظت و شجاعت، است. سپر و شمشیر استعاره ترکیبی (مجاز) برای پاسداری از کشور و مفاهیم معنوی همچون اهمیت تشیع است. فروهر استعاره مجاورتی از نیروهای الهی و معنوی و دوره هخامنشی، سیمرغ استعاره از نیروی کیهانی و ماوراءالطبیعی و دوره ساسانی، دماوند استعاره مجاورتی از دوران اساطیری و نشانی از دوره پهلوی ایران است. به صورت کلی سپر میانی تمام دوره‌های برجسته از دوران تاریخی هخامنشی، ساسانی، اسلام، از سلجوقی تا قاجار (شیر خورشید) و پهلوی را در خود دارد. در این نشان، رنگ سفید برای افزودن به زیبایی سپر، تیغه شمشیر، و برف‌های کوه دماند به کار رفته و به نظر می‌رسد استعاره مجاورتی (استعاره از) خلوص است و خاصیت پاک‌کنندگی و پالودن دارد. افزون بر معانی مثبت رنگ سفید ضمن نمایش پاکی، خلوص و خوبی، نمایانگر صلح و تسلیم است (صراحی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

ایرانیان قرمز را نشانه آتش و لباس پیروان بابک خرم دین<sup>۷</sup> می‌دانند. قرمزی نشان خوش‌یمنی و سعادت و در لاله سرخ به معنای شهادت است. در این نشان، قرمز به کار رفته در تاج را می‌توان به خوش‌یمنی و سعادت زیر سایه پادشاهی نسبت داد. همچنین رنگ سرخ آن شبیه رنگی است که پادشاهان هخامنشی در لباس‌ها و پادشاهان ساسانی مانند شاپور و نرسی پسر شاپور و اردشیر پسر شیرویه در تاج‌های خود استفاده می‌کردند. به این ترتیب، تأثیرپذیری از طراحی تاج و رنگ‌های مرسوم برگرفته از دوره‌های تاریخی هم می‌تواند دلیل کاربرد آن باشد. رنگ زرد

جدول ۲: بررسی استعاره‌های ترکیبی و مجاورتی در نشان ملی (سلطنتی) ایران. (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱؛ منبع تصویرها: URL1).

نوع استعاره	اصل حاکم	مقصد استعاره	مبدا استعاره
استعاره ترکیبی یا مجاز	ترکیب	سلطنت	
استعاره مجاورتی یا استعاره	مجاورت	قدرت پادشاهی	
استعاره ترکیبی یا مجاز	ترکیب	پاسداری	
در وسط این نشان: استعاره ترکیبی یا مجاز	به تنهایی مجاورت. در نشان - ترکیب	نیروی مینوی دوره تاریخ هخامنشی	
استعاره ترکیبی یا مجاز	ترکیب	حضرت علی (ع) - تشیع به همراه ستاره اسلام	
در وسط این نشان: استعاره ترکیبی یا مجاز	به تنهایی مجاورت. در نشان - ترکیب	نیروی مینوی و آگاه به همه‌چیز دوره ساسانی	
استعاره مجاورتی یا استعاره از دوران پهلوی در وسط این نشان - استعاره ترکیبی یا مجاز	به تنهایی مجاورت. در وسط نشان - ترکیب	یاددار رخدادهای مینوی و زمینی - دوران اساطیری. دوره پهلوی ایران و محل تولد رضا پهلوی	 کل سپر
استعاره مجاورتی	مجاورت	دوره‌های تاریخی مهم + پهلوی - ایران	
استعاره مجاورتی یا استعاره	مجاورت	روشنی و معنویت روشنایی، خرد، برکت خوش یمنی و سعادت	رنگ آبی زرد قرمز

سیزدهم میلادی می‌دانند که در بسیاری از سکه‌ها و نشان‌های افتخار محلی برای نمونه نشان سنت پاتریک<sup>۱۱</sup> نیز نقش بست. چنگ انسان‌گونه نیز از نمونه‌های شناخته‌شده در ایرلند است که با پیکره زن ادغام شده‌است. چنگ در قرن هجدهم به عنوان نماد رسمی ایرلند شناخته شد<sup>۱۲</sup>.

بر مبنای کتب کیمیاگری، تبدیل فلزات به طلا و زین پس فلز طلا به تاج و تغییر به دست‌آمده، نمودی از تکامل معنوی و پیروزی اصل برتر بر دون پایه است (بروس میتفورد، ۱۳۸۸: ۱۱۲). با حرکت از داخل - خارج در بخش فوقانی سپر، روی کلاه‌خود طلائی، تاج سنت ادوارد قرار دارد. تاج حاکی از فرمانروایی است. تاج‌های فلزی نمودی از نور و روشنایی هستند که بنابر اندیشه‌ها نور خود را از دستان پادشاه می‌گیرند. قرارگیری اسب تک‌شاخ و شیر در سمت راست و چپ نشان در حالت آماده‌باش، مفهوم نگهبانی و نیروی حامی را تصویر می‌کند. تک‌شاخ مطابق دانش قرون وسطی بسیار وحشی توصیف شده‌است. فقط بانویی باکره می‌توانسته او را اغوا کند و به دام اندازد (بروس میتفورد، ۱۳۸۸: ۳۲). اسب تک‌شاخ نمایانگر مسیح و مسیحیت است که در سوی دیگر شیر یعنی پادشاه قرار دارد. آسمان و زمین به میمنت اتحاد مسیحیت و پادشاهی تحت سیطره سلطنت قرار گرفته‌اند. باغ در قسمت پایین به نشان از زمین به طور دائمی سرسبز و اسب تک‌شاخ به عنوان روحی الهی در باغ (زمین) زنجیر شده‌است. زنجیر به مریم اشاره دارد که تک‌شاخ را رام می‌کند. با حرکت از مرکز به حاشیه دور سپر، کمر بند آبی و نوشته‌ای روی آن مشاهده می‌شود. کمر بند نشان از قدرت و دلالت بر وفاداری در عهد و پیمان دارد (هال، ۱۳۸۰: ۲۶۴). به این معنا که هر کس به پادشاهی وفادار باشد به او وفا می‌شود.

خود، دارای معانی قدرت تصمیم‌گیری و دوراندیشی است. ولی شیر ایستاده در سمت چپ که حالتی آماده‌باش دارد، مفهوم نگهبانی را با خود همراه دارد. هر دو شیر، تاج سلطنتی سنت ادوارد را بر سر دارند (بروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۳۱۹). سه شیر افقی نیز به عنوان نشان ملی کشور انگلستان شناخته می‌شود. برای نخستین بار، نقش سه شیر به وسیله پادشاه ریچارد اول به عنوان نشان رسمی در سال ۱۱۸۹ میلادی ایجاد شد (Parsons & Faul, 2011: 800). روی نقوش لباس جنگی ویلیام فاتح در قرون وسطی هم سه شیر نقش شده بود. پیش از آن در قرون وسطی در پرچم‌ها و نیز سایر نقوش تزئینی این نقش دیده شده است (تصویر ۳). جای‌گیری شیر در رأس نشان و شعار ملی کشور انگلستان در پایین‌ترین بخش نشان، جایگاه ویژه حاکمیت را تعیین کرده است. پس از آن، تاج سلطنتی سنت ادوارد دیده می‌شود که به وسیله کلاه‌خود سلطنتی حمل می‌گردد. کلاه‌خود طلائی، نشان‌دهنده خانواده سلطنتی است. با تغییر کلاه‌خود به جنس‌های فولادی و موارد مشابه، مفاهیم آن‌ها دچار دگرگونی می‌گردد (Moncreiffe & Pottinger, 1953: 58) در پشت کلاه‌خود، برگ‌های کنگر چون موی افشان به نشان از جاودانگی حول کلاه‌خود شوالیه قرار گرفته‌اند. سپر، در مرکز نشان و سایر عناصر حول آن قرار گرفته‌اند. سپر مرکزی شبیه زره است و از نشان‌های شیر ایستاده اسکاتلندی و چنگ ایرلندی تشکیل شده و تکرار سه شیر، اهمیت انگلستان در پادشاهی متحد را به منزله نیروی مرکزی به تصویر کشیده است.

در آثار ادبی قرون وسطی (همچون ادا<sup>۱۳</sup>) قهرمانان آرزو دارند تا با چنگ در قبر دفن شوند<sup>۱۴</sup> (Cirton, 2001: 139). نشان چنگ<sup>۱۵</sup> ایرلندی را متعلق به قرن



تصویر ۲: نشان ملی (سلطنتی) بریتانیا (منبع: URL2)



جدول ۳: بررسی انواع حرکت بصری و معانی القایی مورد انتظار در نشان ملی (سلطنتی) انگلستان (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱؛ منبع تصویر: URL2).

عنوان	شمایل طرح	تشریح معنای القایی
حرکت از درون به بیرون		درک ما از قدرت را برای ملموس کردن با بیرون و درون چیزی یا جایی به هم پیوند می‌زند. اعمال قدرت بریتانیا بر مرزهای هم‌پیمانان پادشاهی متحد را القا می‌کند.
حرکت از مرکز به حاشیه		در مرکز نشان سپر انگلیس دو بار تکرار شده و کلاهخود خانواده سلطنتی اهمیت و سیطره انگلیس در پادشاهی متحد را می‌رساند.
حرکت از بالا- پایین درون نشان		اهمیت سلطنت و جایگاه ویژه پادشاه حاکم بر قلمرو زمین و آسمان.
حرکت از پایین به بالا بیرون نشان-		مفاهیم نگهبانی و حمایت پادشاهی و مسیحیت از هر سه کشور متحد اسکاتلند، ایرلند شمالی و انگلیس
حرکت از محیط بیرونی به درون		اتحاد مسیحیت و پادشاهی مضمون مهم این حرکت از محیط بیرون به درون- اتحاد زمین و آسمان. اینکه حق شاهی از آسمان نازل شده است.
حرکت از کل به جز و از جز به کل		هر جز یک معنا دارد. هر جز در کل معنای خود را می‌یابد. برای نمونه اسب تک‌شاخ در این نشان قرینه شیر به معنای مسیحیت مویذ پادشاهی است. کل نشان، استعاره از پادشاهی متحد با مسیحیت، بر زمین و آسمان است.

<p>تکرار شیر، تاج، رنگ‌های زرد، طلایی و قرمز، آبی باعث اطمینان از اینکه خصلت مشترک شیر و پادشاه مد نظر بوده است.</p>		<p>حرکت بین عناصر مشابه و تکراری</p>
--	--	--------------------------------------

سیزدهم میلادی می‌دانند که در بسیاری از سکه‌ها و نشان‌های افتخار محلی برای نمونه نشان سنت پاتریک<sup>۱۱</sup> نیز نقش بست. چنگ انسان‌گونه نیز از نمونه‌های شناخته‌شده در ایرلند است که با پیکره زن ادغام شده‌است. چنگ در قرن هجدهم به عنوان نماد رسمی ایرلند شناخته شد<sup>۱۲</sup>.

بر مبنای کتب کیمیاگری، تبدیل فلزات به طلا و زین پس فلز طلا به تاج و تغییر به دست‌آمده، نمودی از تکامل معنوی و پیروزی اصل برتر بر دون پایه است (بروس میتفورد، ۱۳۸۸: ۱۱۲). با حرکت از داخل-خارج در بخش فوقانی سپر، روی کلاه‌خود طلایی، تاج سنت ادوارد قرار دارد. تاج حاکی از فرمانروایی است. تاج‌های فلزی نمودی از نور و روشنایی هستند که بنابر اندیشه‌ها نور خود را از دست پادشاه می‌گیرند. قرارگیری اسب تک‌شاخ و شیر در سمت راست و چپ نشان در حالت آماده‌باش، مفهوم نگهبانی و نیروی حامی را تصویر می‌کند. تک‌شاخ مطابق دانش قرون وسطی بسیار وحشی توصیف شده‌است. فقط بانویی باکره می‌توانسته او را اغوا کند و به دام اندازد (بروس میتفورد، ۱۳۸۸: ۳۲). اسب تک‌شاخ نمایانگر مسیحیت است که در سوی دیگر شیر یعنی پادشاه قرار دارد. آسمان و زمین به میمنت اتحاد مسیحیت و پادشاهی تحت سیطره سلطنت قرار گرفته‌اند. باغ در قسمت پایین به نشان از زمین به طور دائمی سرسبز و اسب تک‌شاخ به عنوان روحی الهی در باغ (زمین) زنجیر شده‌است. زنجیر به مریم اشاره دارد که تک‌شاخ را رام می‌کند. با حرکت از مرکز به حاشیه دور سپر، کمر بند آبی و نوشته‌ای روی آن مشاهده می‌شود. کمر بند نشان از قدرت و دلالت بر وفاداری در عهد و پیمان دارد و (هال، ۱۳۸۰: ۲۶۴). به این معنا که هر کس به پادشاهی وفادار باشد به او وفا می‌شود. «کمر بند نماد به آسمان رفتن مریم» هم هست. (هال، ۱۳۸۰: ۲۶۴). از سوی دیگر، این کمر بند مانند پالیوم<sup>۱۳</sup> یعنی نوار جامه سراسقف به شکل حرف انگلیسی «Y» به نظر می‌رسد که پاپ آن را به اسقف‌های اعظم

«کمر بند نماد به آسمان رفتن مریم» هم هست. (هال، ۱۳۸۰: ۲۶۴). از سوی دیگر، این کمر بند مانند پالیوم<sup>۱۳</sup> یعنی نوار جامه سراسقف به شکل حرف انگلیسی «Y» به نظر می‌رسد که پاپ آن را به خود، دارای معانی قدرت تصمیم‌گیری و دوراندیشی است. ولی شیر ایستاده در سمت چپ که حالتی آماده‌باش دارد، مفهوم نگهبانی را با خود همراه دارد. هر دو شیر، تاج سلطنتی سنت ادوارد را بر سر دارند (بروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۳۱۹). سه شیر افقی نیز به عنوان نشان ملی کشور انگلستان شناخته می‌شود. برای نخستین بار، نقش سه شیر به وسیله پادشاه ریچارد اول به عنوان نشان رسمی در سال ۱۱۸۹ میلادی ایجاد شد (Parsons & Faul, 2011: 800). روی نقوش لباس جنگی ویلیام فاتح در قرون وسطی هم سه شیر نقش شده بود. پیش از آن در قرون وسطی در پرچم‌ها و نیز سایر نقوش تزئینی این نقش دیده شده است (تصویر ۳). جای‌گیری شیر در رأس نشان و شعار ملی کشور انگلستان در پایین‌ترین بخش نشان، جایگاه ویژه حاکمیت را تعیین کرده است. پس از آن، تاج سلطنتی سنت ادوارد دیده می‌شود که به وسیله کلاه‌خود سلطنتی حمل می‌گردد. کلاه‌خود طلایی، نشان‌دهنده خانواده سلطنتی است. با تغییر کلاه‌خود به جنس‌های فولادی و موارد مشابه، مفاهیم آن‌ها دچار دگرگونی می‌گردد (Moncreiffe & Pottinger, 1953: 58) در پشت کلاه‌خود، برگ‌های کنگر چون موی افشان به نشان از جاودانگی حول کلاه‌خود شوالیه قرار گرفته‌اند. سپر، در مرکز نشان و سایر عناصر حول آن قرار گرفته‌اند. سپر مرکزی شبیه زره است و از نشان‌های شیر ایستاده اسکاتلندی و چنگ ایرلندی تشکیل شده و تکرار سه شیر، اهمیت انگلستان در پادشاهی متحد را به منزله نیروی مرکزی به تصویر کشیده است.

در آثار ادبی قرون وسطی (همچون ادا<sup>۱۴</sup>) قهرمانان آرزو دارند تا با چنگ در قبر دفن شوند<sup>۱۵</sup> (Cirton, 2001: 139). نشان چنگ<sup>۱۶</sup> ایرلندی را متعلق به قرن

جدول ۴: بررسی استعاره‌های ترکیبی و مجاورتی در نشان ملی (سلطنتی) بریتانیا (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱؛ منبع تصویر: URL2)

مبدا استعاره	مقصد استعاره	اصل	نوع استعاره
	پادشاهی رشد و روشنایی معنوی	ترکیب	استعاره ترکیبی یا مجاز
	خانواده سلطنتی و روحیه شوالیه‌گری	ترکیب	استعاره ترکیبی یا مجاز
	پادشاه و نگهبان نیروی دنیوی	مجاورت	استعاره مجاورتی یا استعاره
	قدرت پادشاهی -	مجاورت	استعاره مجاورتی یا استعاره
	مسیح و حامی نیروی معنوی	مجاورت	استعاره مجاورتی یا استعاره
کمر بند	قدرت - عهد و پیمان - به آسمان رفتن	ترکیب	استعاره ترکیبی یا مجاز
 سه شیر	تصمیم‌گیری - دوراندیشی - انگلیس	ترکیب	استعاره ترکیبی یا مجاز
 چنگ	رشد معنوی - خدایان ایرلندی - ایرلند	ترکیب	استعاره ترکیبی یا مجاز
 شیر ایستاده	گشاده‌دستی و بلند همتی - اسکاتلند	ترکیب	استعاره ترکیبی یا مجاز

برگ‌های کنگر برآمده از پشت کلاهخود و تاج در بالا و کمر بند، انسانی را القا می‌کند که سینه و شکل صورت و موی او مشخص است. بدن جسمانی شاه در میان نیست، اما تمام نمادهای شبکه‌ای تأییدکننده بدن شاهی (ارکان سلطنت) وجود دارد. همچنین، هر چه در میان این عناصر، تکرار بیشتر باشد و گروه‌بندی‌های هماهنگ‌تری وجود داشته باشد، درجه بالای وحدت در میان کثرت عناصر، ویژگی زیباساز قوی‌تری به شمار می‌رود. در نشان بریتانیا، چندگونگی عناصر حیوانی، گیاهی و ادوات گوناگون دیده می‌شود. در عین کثرت عناصر می‌توان نوعی وحدت را مشاهده نمود. تکرار شیر و تاج و سه شیر و تکرار رنگ‌ها وحدت زیادی میان عناصر استعاری را به وجود آورده است.

در نمود بصری حیوانات قربانی، لباس عروس و ارواح، نمایانگر پاکی و معصومیت، سفید هستند (بروس میتفورد، ۱۳۸۸: ۱۱۰). همچنین قرمز مقدس به صورت بصری، رنگی است که برای بزرگداشت شهیدان و مسیح به کار می‌رود. از نظر ترتیب رنگ لباس‌هایی که مسیح به تن می‌کند قرمز رنگ ربوبی و الهی است که به تن او نزدیک است و ردا یا لباس آبی را بیرون می‌پوشد (وایلدر، ۱۳۹۵: ۱۲۵). در تاج‌های سلطنتی که مزین به بالاترین فضیلت یعنی فرمانروایی است، رنگ قرمز به کار می‌رود (بروس میتفورد، ۱۳۸۸: ۱۱۰). رنگ زرد با وجود اینکه به دلیل همراهی با پاییز نماد پرمردگی، زوال، ویرانی و افسردگی است (Yan, 2020: 126)، اما به صورت بصری زرد و طلا مرتبطند. به همین سبب، در نشان

اهدا می‌کرد و شکل آن به صلیب آویختن را القا می‌کرد (هال، همان: ۲۳۳) روی هم رفته، کمر بند به شکل «۷»، افزون بر قدرت قهرمانی، نشاندهنده آن است که مسیحیت (سراسقف‌ها به نمایندگی از پاپ) به حمایت از پادشاهی متحد برآمده است. نوار بخش تحتانی نشان نیز، شعار ملی حکومت انگلستان، «خدا و حق من» را نشان می‌دهد که اشاره‌ای به اعطای حق حکمرانی پادشاه بر زمین از سوی خداوند دارد و مانند نوار نوشته‌داری (کلام مقدس) است که در نقاشی‌های بشارت، جبرئیل آن را به مریم (ع) می‌دهد.

### بررسی جنبه‌های زیباشناختی استعاره‌ها در نشان ملی (سلطنتی) بریتانیا

بر مبنای جدول (۴)، هر یک از استعاره‌های به‌کاررفته در نشان سلطنتی بریتانیا بر اساس دو حوزه مبدأ و مقصد بررسی شده و مفهوم یا مرجع آن‌ها با توجه به معنایابی جدول (۳) به دست آمده است. در قسمت‌های طرح، تاج، کلاهخود، بخش‌های سپر یعنی چنگ، شیر ایستاده و سه شیر افقی مجاز یا استعاره ترکیبی از مفهوم پادشاهی، خانواده سلطنتی و حمایت از شوالیه‌گری، و به ترتیب نمایانگر کشورهای ایرلند، اسکاتلند و انگلیس است. شیر افقی، شیر عمودی، اسب تک‌شاخ استعاره‌ای یا استعاره مجاورتی از قدرت پادشاهی، نگهبانی و مسیحیت است. در این نشان، استعاره‌های ترکیبی که میل به کنار هم نشستن دارند مشتمل‌اند بر سپر در وسط که شبیه زره هم هست، کلاهخود و



تصویر ۳: آویز دهنه اسب، منقش به سه شیر اوایل قرون وسطی (منبع: URL2)

بریتانیا در ابزارهایی همچون زنجیر و قلاده گردن اسب تک‌شاخ، فلز تاج و نیز کلاهخود شوالیه به کار می‌رود و به ارزش معنوی و گاهی سلطنتی آن‌ها اشاره می‌کند که هر دو مرتبط با قدرت خورشید است. در مسیحیت رنگ سبز نشان‌دهنده تثلیث پدر، پسر و روح‌القدس است (بروس‌میتفورد، ۱۳۸۸: ۱۱۱). در این نشان، چمن سبز رنگ نمایانگر زندگی و جاودانگی در سایه اتحاد مسیحیت و پادشاهی متحد است. مفاهیم مادی مانند سلطنت و قدرت پادشاهی، قدرت تصمیم‌گیری، دوراندیشی، بلندهمتی، پاسداری از کشور و مفاهیم معنوی همچون تکامل معنوی، اعتقاد به اتحاد پادشاهی و مسیحیت و جاودانگی همراه با اتحاد مسیحیت و پادشاهی قابل برداشت است. همان اندازه که سفید، قرمز، زرد، آبی، سبز و همراهی سفید و قرمز در گل می‌توانند مطابق با طبیعت چیزها و اشیا باشند، آن‌ها می‌توانند استعاره مجاورتی برای پاکی، ربوبیت و فضیلت فرمانروایی، قدرت خورشید و برکت-سلطنت، معنویت-رشد معنوی، زندگی و جاودانگی، اتحاد پادشاهی (یورک و لنکستر) باشند.

هر چه استعاره‌های مجاورتی بیشتر باشند، به نظر پیچیدگی طرح بیشتر است و مخاطب با خرق عادت بیشتری روبه‌رو می‌شود. آن‌چه مخاطب می‌بیند به جای ترکیب‌های محقق در جهان به ترکیب‌های تخیلی و ممکن در هنر راه می‌برد و با مقتضیات طراحی نشان هماهنگ می‌شود. در نشان بریتانیا استعاره‌های مجاورتی کمتر یا حداقل با ضریب تأثیری کمتر از استعاره‌های ترکیبی قرار می‌گیرد. میل به ترکیب در میان سپر شبیه زره و کلاهخود شوالیه و کمر بند، موی و تاج، سبب می‌شود یک جسم یا بدن شاهی القا گردد و تنش کمتری در یافتن معنای نهایی مجازها (به معنی شخص شاه شجاع با افتخارات شوالیه‌ای) وجود داشته باشد. در این طرح، نقش وحدت به منزله ویژگی زیباساز قوی‌تر از پیچیدگی است.

### نتیجه‌گیری

پس از معرفی مبانی نظری درباره نوع استعاره‌ها و در باب زیبایی‌شان به بررسی دو نشان هدف پرداخته شد. پس از بررسی عناصر گوناگون در نشان‌های سلطنتی دو کشور، بیان شباهت و تفاوت‌های ساختاری و معنایی میان دو نشان ممکن شد. شباهت‌های میان دو نشان از این قرارند: در مرکز هر دو نشان، تصویر سیر دیده می‌شود که از چهار قسمت تشکیل شده‌اند. در نشان پهلوی، به ترتیب نشان‌های دوره‌های هخامنشی، ساسانی، اسلام، دوره قاجار و پهلوی اول دیده می‌شود. نشان

سلطنتی بریتانیا نیز در ربع اول و چهارم، تصویر سه شیر انگلستان را نمایش می‌دهند. شیر اسکاتلندی نیز متعلق به ربع دوم و تصویر چنگ ایرلند نیز متعلق به ربع سوم است. کاربرد تاج و شیر نیز از نکته‌های مشابه میان هر دو نشان است. هر دو از جانوران اسطوره‌ای یا موجودات هیبریدی مانند سیمرغ، فروهر و اسب تک‌شاخ بهره‌مندند. هر دو حمایل یا نواری با شعاری سلطنتی دارند که در بخش زیر نشان‌ها جای گرفته است. عدالت‌گری در نشان پهلوی دوم چون موهبت الهی و عطایی به پادشاه است. پادشاهی هم در نشان بریتانیا نوعی حق و حقوقی از جانب خدا است که به پادشاه به منزله داور بخشیده شده است. تفاوت‌ها از این قرار است: نشان بریتانیا از کمر بند و سگک آن در معنای به صلیب آویختن و عهد و پیمان و به آسمان رفتن مریم بهره برده است. در نشان پهلوی در عوض زنجیر و نشان پهلوی اول دیده می‌شود. برگ تاک دور سپر، اسلیمی دهن اژدری و گل‌های ختایی از تزئینات نشان پهلوی است. خار (نشان باکرگی مریم و تاج مسیح)، رز تئودور (سمبل اتحاد پادشاهی یورک و لنکستر)<sup>۱۴</sup> و شبدر (نشان سنت پاتریک) از تزئینات نشان بریتانیا است. خورشید نگاره واقع در مرکز نشان سلطنتی پهلوی در حال طلوع است، در نشان بریتانیا دیده نمی‌شود. تفاوت نهایی را نیز می‌توان در قرارگیری دو شیر پاسدار حول نشان پهلوی و قرارگیری یک اسب تک‌شاخ و یک شیر در نشان بریتانیا بیان کرد. نشان پهلوی دوم، موجود هیبریدی بیشتری دارد، در حالی که اسب تک‌شاخ تنها موجود اسطوره‌ای نشان بریتانیا است. در نشان پهلوی کوه و در نشان بریتانیا کلاهخود سلحشوری شوالیه‌ها مشاهده می‌شود. نشان بریتانیا انسانی را القا می‌کند که کالبدش تهی به نظر می‌رسد، در حالی که در نشان دوره پهلوی دوم به دلیل وجود مدال سلطنتی در زیر سپر و نبود طرح برگ‌هایی که موها را القا کند، تشخیص چنین چیزی سخت‌تر است. مبدأ استعاره‌ها در جدول (۲)، در نشان سلطنتی پهلوی دوم به ترتیب هدف‌های زیر را نشان می‌دهد. تاج؛ مفاهیم مادی مانند سلطنت و قدرت پادشاهی، سپر؛ پاسداری از کشور و شمشیر؛ مفاهیم معنوی همچون اهمیت تشیع. شیر، در هدف‌هایی همچون محافظت، شجاعت و حضرت علی، لانه می‌گزیند. فروهر؛ نیروهای الهی و معنوی و دوره هخامنشی، سیمرغ؛ نیروی کیهانی و ماوراءالطبیعی و دوره ساسانی، دماوند دوران اساطیری و پهلوی ایران را به عنوان مقصد بر می‌گزیند. رنگ آبی، زرد و قرمز، به ترتیب روشنی و معنویت، روشنایی؛ خرد و برکت؛ خوش‌یمنی و سعادت را به عنوان مقصد بر می‌گزیند. مبدأ استعاره‌ها در نشان در جدول (۴) در

برای نمونه، در نشان بریتانیا کلاهخود و سپر و کمر بند با هم یک جسم یا بدن شاهی را القا می‌کنند و تنش کمتری در یافتن معنای نهایی وجود دارد. در این نشان، وحدت به عنوان ویژگی زیباساز، اندکی قوی‌تر از پیچیدگی به نظر می‌رسد. یافته‌ها نشان می‌دهد بحث مربوط به زیبایی صرفاً وابسته به صورت و فرم نشان‌ها یا آثار هنری نیست. بعد مفهومی و معنایی هم در تشخیص زیبایی نقش دارد. زیبایی استعاره‌ها بعد صوری و محتوایی هر دو را در بر می‌گیرد. تقدم تاریخی طراحی و ساخت نشان بریتانیا (۱۸۳۷)، شباهت‌های ساختاری میان دو نشان، تأثیرپذیری احتمالی نشان سلطنتی پهلوی دوم را از نشان بریتانیا آشکار می‌کند، هر چند در طراحی هر دو نشان اجزای متفاوتی با مضمون تاریخی و فرهنگی و سیاسی به کار رفته است. از طریق مطالعه نشان‌ها شناسایی مسیر جهت‌گیری نشان‌های این دو کشور در آینده به واسطه میثاق‌ها و اهداف مهم از جنبه‌های ساختاری، معنایی و زیباشناختی آسان‌تر می‌گردد. در نهایت، بررسی نشان‌های سلطنتی دو کشور شناسایی دورنمای اهداف و میثاق‌های یک کشور را ممکن می‌کند و دستاورد برجسته این پژوهش به شمار می‌آید.

#### پی‌نوشت

##### 1-Francis Hutcheson

هاچسون، فیلسوفی اسکاتلندی-ایرلندی بود که در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم می‌زیست. او در ایرلند، در خانواده‌ای وابسته به کلیسای پروتستان اسکاتلندی زاده شد و به عنوان یکی از بنیان‌گذاران روشنگری اسکاتلندی شناخته شد. او به شدت تحت تأثیر جان لاک و البته شافسبری قرار داشت. با پیروی از شافسبری حس زیبایی را، بستر ساز حس اخلاقی دانست.

##### 2-Forcville

##### 3- visual metaphor

##### 4-Uniformity admist variety

۵- نتیجه بررسی حرکت خورشید در منطقه یا بروج ستارگانی را پیرامون مسیر خورشید، هیئت ستارگانی را در نقش حیوانات مختلف پراهمیت می‌کرد. هر برج در مسیر حرکت خورشید نشان‌دهنده یک حیوان بود. از آن روی، هیئت و گروهی از ستارگان پراهمیت‌تر اشکالی می‌ساختند که هر کدام نامی به خود اختصاص می‌داد.

۶- در شاهنامه، دماوند محل زندانی ضحاک به دست کاه آهنگر بیان شده است. ملک‌الشعرا بهار آن را این‌گونه وصف کرده است: «ای دیو سفید پای در بند/ ای گنبد گیتی ای دماوند»

۷- رهبر اصلی مبارزان ایران در زمان خلافت عباسی بود که پس از مرگ ابومسلم بر عباسیان شورید. در مدت خلافت عباسیان او رهبری آذربایجان را به عهده داشت و از تاثیرگذاران بر شمال غرب ایران بوده است.

##### 8-Edda

نشان سلطنتی بریتانیا مقاصد استعاره را چنین نشان می‌دهد: تاج؛ رشد و روشنائی معنوی، کلاهخود؛ خانواده سلطنتی و شوالیه‌گرایی، شیر ایستاده؛ پادشاه و نگهبان نیروی دنیوی، شیر افقی؛ قدرت پادشاهی، اسب تک‌شاخ؛ مسیح و حامی، کمر بند؛ قدرت-عهد و پیمان و به آسمان رفتن، سه شیر افقی؛ تصمیم‌گیری-دوراندیشی، کشور انگلیس، چنگ؛ رشد معنوی-خدایان ایرلندی و کشور ایرلند، شیر ایستاده؛ گشاده دستی و بلند همتی، کشور اسکاتلند، سپر کامل؛ بریتانیای کبیر و اتحاد، پادشاهی متحد. استعاره در رنگ‌های سفید، قرمز، زرد، آبی، سبز، قرمز و سفید به ترتیب پاکی و معصومیت؛ ربوبیت و فضیلت فرمانروایی؛ قدرت خورشید و برکت-سلطنت؛ معنویت-رشد معنوی؛ زندگی و جاودانگی؛ اتحاد پادشاهی (یورک و لنکستر) را مقصد می‌گیرد. از هدف‌های مشترک دو نشان نیاز به تأیید مذهب و دین، پاسداری و حفاظت و اهمیت قدرت پادشاهی روی زمین، و اهمیت شخص شاه القا می‌شود. در نشان پهلوی دوران مختلف تاریخی و تأیید پی در پی آن‌ها درک می‌شود، در حالی که در نشان سلطنتی بریتانیا کشورهای متحد در نشان اهمیت بیشتری از دوران تاریخی خود انگلیس دارد. بعد معنوی در نشان بریتانیا پررنگ‌تر است. گویی برای اتحاد کشورهای مختلف به مفاهیم جهان‌شمول‌تری نیاز است. در نشان پهلوی دوم بعد تاریخی مشخص‌تر است، زیرا دوره پهلوی همه دوره‌های پرافتخار تاریخی را در نشان گرد هم آورده است. یافته‌ها نشان می‌دهد اشتراک ویژگی‌های ساختاری زیادتر از تفاوت‌های دو نشان است. از جنبه معنایی نشان بریتانیا از جنبه گوناگونی عناصر تشکیل یافته، پر بارتر است. معانی هر کدام از عناصر در نشان‌ها متأثر از شرایط سیاسی و مذهبی و سوابق فرهنگی و تاریخی آن کشور است.

از جنبه ویژگی‌های زیباساز تطبیق نشان می‌دهد: هر چه استعاره‌های مجاورتی بیشتر باشند، به نظر پیچیدگی طرح بیشتر است و مخاطب با تنش بیشتر و خرق عادت بیشتری روبه‌رو می‌شود. هر چه وحدت یا هم‌گونگی بیشتر باشد، امکان ورود به آستانه زیبایی بیشتر است. در نشان پهلوی دوم استعاره‌های مجاورتی تقریباً برابر با استعاره‌های ترکیبی است. از جنبه وحدت یافتگی هم تکرارهای طرح و رنگ مانند دماوند، شیر، شمشیر، رنگ زرد و اکر و آبی نشان پهلوی را منسجم و وحدت یافته نشان می‌دهد. در این طرح، ویژگی پیچیدگی مهم‌تر از وحدت‌یافتگی است. در نشان بریتانیا استعاره‌های مجاورتی کمتر از نوع ترکیبی است. استعاره‌های ترکیبی سبب می‌شوند بخش‌ها یا اجزای گسسته در صورت امکان به هم پیوندند.

- ۹- چنگ هم به واسطه تعداد تارها و صدای برآمده از آن‌ها، نمایانگر ارتقای معنوی است.
- ۱۰- چنگ در دین یهودیت و مسیحیت علامتی از داود و موسیقی مقدس است که با فرشتگان ارتباط می‌گیرد. دو خدای ایرلندی سلتی و داگدا، چنگی جادویی می‌نوازند و این‌گونه فصل‌های سال را نظم می‌بخشند. افزون بر چنگ، تارهای آن نیز به عنوان یک نردبان برای هدایت به حیات دیگر شناخته می‌شوند.
- ۱۱- ایرلند را مسیحی کرد.
- ۱۲- از دوره ملکه الیزابت، زن از چنگ حذف شده‌است.
- 13-pallium
- ۱۴- رز تئودور گلی است با گل برگ‌های قرمز و سفید نماد اتحاد پادشاهی یورک (رز سفید) و لانگستر (رز قرمز). این گل در سال ۱۴۸۵ م به وسیله هنری تئودور هنگام ازدواج با الیزابت یورک به تصویر کشیده شده‌است (بروس میتفورد، ۱۳۸۸ : ۵۵).

## منابع

- اختیاری، اسفندیار، پشوتنی‌زاده، آزاده و اخوی‌جو، رامین (۱۳۹۰). «تحولات نماد الوهی فرشته با الهام از نقش فروهر و بن‌مایه سیمرغ»، *زن در فرهنگ و هنر*، ۱ (۳)، ۵-۲۳.
- استوار، مسیب (۱۳۹۱). *رنگ*، تهران: رازنامه.
- ایمن شهیدی، مرتضی (۱۳۹۳). مقایسه روابط ایران و انگلیس در دوره پهلوی اول و دوم، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، رشته تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- آفرین، فریده؛ نیکیان، ساجده (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی نمادها در نشان‌های ملی دوره اول پهلوی ایران و جمهوری چین»، *جلوه هنر*، ۳۷ (۴)، ۱۰۰-۸۴.
- بروس میتفورد، میراندا (۱۳۸۸). *فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان*، ترجمه زهرا تاران و ابوالقاسم دادور، تهران: کله‌ر و الزهرا.
- بروس میتفورد، میراندا (۱۳۹۴). *دایره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها*، ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیریپور (چاپ اول)، تهران: نشر سایان.
- بهنام، مرتضی (۱۳۹۴). «تقدس کوه در اساطیر ایران»، *تاریخ پژوهی*، ۱۷ (۶۴)، ۳۵۵-۳۷۳.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۴). «تاریخچه تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم تا امروز»، *هنر و مردم*، ۳۸، ۲۱-۲۹.
- صراحی، محمد امین (۱۳۹۳). «رویکردی رده‌شناختی به استعاره‌های مربوط به رنگ در زبان فارسی»، *زبان پژوهی*، ۶ (۱۱)، ۹۸-۱۱۸.
- علیخانی، پریسا؛ اکبری، فاطمه؛ نژاد ابراهیمی، احد. (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی پرندگان اسطوره‌ای در ایران و تمدن‌های مجاور؛ مطالعه موردی: سیمرغ و عنقا»، *جلوه هنر*، ۱۰ (۲)، ۵۵-۶۶. Doi: 10.22051/jjh.2017.10522.1127
- فریود، فریناز و سیاحی، ماه منیر (۱۳۹۶). «بازتاب مذهب تشیع در طراحی نقوش منسوجات فاطمیان مصر»، *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، ۲ (۲)، ۸۵-۹۸. Doi: 10.22051/JTPVA.2018.3987
- کاشانی‌زاده، زهرا؛ اسفیدانی، محمدرحیم؛ کیماسی، مسعود؛ معنوی‌راد، میترا (۱۳۹۸). «طراحی نوع‌شناسی آرایه‌های تصویری با تمرکز بر رابطه تعاملی استعاره و مجاز در تبلیغات چاپی»، *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۹ (۱)، ۱۴۴-۱۲۵. Doi: 10.22108/nmrj.2019.116155.1676
- لاکست، ژان (۱۳۹۰). *فلسفه هنر*، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: نشر ماهی.
- لیکاف، جرج و جانسون، مارک (۱۳۹۷). *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*، ترجمه هاجر آقا ابراهیمی (چاپ سوم)، تهران: نشر علم.
- مدیر شانه‌چی، محسن (۱۳۸۸). «روابط فرهنگی ایران و انگلستان در عصر قاجار با تأکید بر نقش ایران پژوهان انگلیسی»، *پژوهشنامه تاریخ*، ۴ (۱۶)، ۱-۴۲.
- نصرتی، مسعود (۱۳۸۵). «تجلی قداست کوه، دنیایی در پس آنچه پیش روی است»، *کتاب ماه هنر*، ۹۹ و ۱۰۰، ۱۱۲-۱۱۷.
- وایلد، جسی برایانت (۱۳۹۵). *تاریخ هنر*، ترجمه صفورا برومند، تهران: آوند دانش.
- هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.

## References

- Afarin, F., Nikian, S. (2022). "Comparative Study of the Symbols in the National Emblems of the First Pahlavi Dynasty in Iran and the Republic of China", *Glory of Art*, 37 (4) 84-100, (Text in Persian).
- AliKhani, P., Akbari, F., NejadEbrahimi, A. (2018). "The Compatative Study of Mythical Birds in Iran and Neighboring Civilizations, Case Study: Sēnmurw& Phoenix", *Glory of Art*, 11 (2), 55-66, (Text in Persian).
- Alizadehbirjandi, Z., Hamidi, S., Malekzadeh, E., (2017). "Analyzing the Origin and Functions of the State Emblems of the Qajar Era", *Historical Studies*, 8 (1), 79-98, (Text in Persian).
- Behnam, M. (2014). "The Sacred Mountain in Iranian Mythology", *Journal of Historical Research*, 17 (64), 355-373, (Text in Persian).
- Bruce-Mitford, M. (2009). *The Illustrated Book of Signs & Symbols*, Translated by Zahra Taran and

Abolghasem Dadvar , Iran: Kalhor pub and Alzahra university, (Text in Persian).

- Bruce-Mitford, M. (2015). *The Illustrated Book of Signs & Symbols*, Translated by Masoomeh Ansari and Habib Bashirpoor, Tehran: Cyan publication, (Text in Persian).

- Cirton, J. E. (2001). *A Dictionary of Symbols*, London: Routledge.

- Ekhtiari, E., Pashootanizadeh, A., Akhaviho, R. (2011). "The Course of Angeles' Divinity Image Inspired by Fravahr Pattern and Phoenix Subject", *Journal of Woman in culture and Art*, 3, 1 (3) 5-23, (Text in Persian).

- Farbod, F., Sayyahi, M, (2018). Reflections of Shi'a Islam Beliefs in Fatimid Arts (Case Study: Fatimid Textiles), *Theoretical Principles of Visual Arts*, 2 (2), 85-98, (Text in Persian). Doi: 10.22051/JTPVA.2018.3987

- Gkiouzeapas, L., Hogg, M. (2014). Articulating a New Framework for Visual Metaphors in Advertising, *Journal of Advertising*, 40 (1), 103-120.

- Hall, J. (2001). *Illustrated Dictionary of Symbols in Eastern and Western Art*, Translated by Roghayeh Behzadi, Iran: Farhang-e-Moaser, (Text in Persian).

- Hutcheson, F. (1973). *An Inquiry Concerning Beauty, Order, Harmony, Design*, Edited by Peter Kivy, Netherland: Springer.

- Imen Shahidi, M., Sarafrazi, A., Vakili, H. (2014). *Comparing the Relations between Iran and England during the First and Second Pahlavi periods*, Master's thesis, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, (Text in Persian).

- Kashanizadeh, Z., Esfidani, M. A., Keimasi, M., Manavi Rad, M. (2019), "Designing a Typology for Visual Rhetoric with a Focus on the Interaction of Metaphor and Metonymy in Print Advertising", *New Marketing Research Journal*, 6 (11), 97-118, (Text in Persian).

- Lacoste, J., (2011). *La philosophie de l'art*, Translated by MohammadReza Abolghasemi, Tehran: Mahi, (Text in Persian).

- Lakoff, G., Johnson, M. (2017), *Metaphors We Live By*, Translated by Hajar Agha Ebrahimi (3rd ed), Tehran: Elm, (Text in Persian).

- Modir Shanechi, M. (2008). "Cultural relation in the era of Qajar between Iran and Uk with emphasis on the role of British Scholars", *Journal of History Research*, 4 (16), 1-42, (Text in Persian).

- Moncreiffe, D., Pottinger, L. (1953). *Simple Heraldry Cheerfully Illustrated*, United States: Thomas Nelson & Sons.

- Nosrati, M. (2006). "The Manifestation of the Holiness of the Mountain, A World behind What Is in Front of You", *Monthly Book of Art*, (99 & 100), 112-117, (Text in Persian).

- Ostowar, M. (2013). *Colour*, Tehran: Raznameh, (Text in Persian).

- Parsons, G., Faul, M., (2011). "British Royal Banners", 1199. Paper presented in *24th International Congress of Vexillology*, Washington D.C 1-5 August, 799-811.

- Sorahi, M. A., (2014). "Cognitive Study of Color Metaphors in Persian", *Journal of Language Research*, 6 (11), 97-118. Doi: 10.22051/JLR.2014.1093, (Text in Persian).

- Wilder, J. B., (2007), *Art History for Dummies*, Translated by Safora Brumand, Tehran: Avande Danesh, (Text in Persian).

- Yan, L. (2020). "A Cognitive Study of the Color Metaphor of Yellow", *Education & Multidisciplinary Studies*, 16 (2), 123-127.

- Zoka, Y., (1955). The History of the Changes and Evolutions of Darfash and the Sign of the Iranian Government from the Beginning of the 13th Century until Today, *Art and People*, 38, 21-29, (Text in Persian).

#### URLs

URL 1: <https://www.farahpahlavi.org/about/coat-of/arms>. The Imperial Standard of Iran. (n.d). Retrieved April 15, 2021

URL 2: <https://www.rct.uk/resources/pdf-pack-design-a-coat-of-arms> Royal Collection Trust. (n.d). Retrieved April 18, 2021



## The Aesthetic Aspects of the Royal Emblems of the Second Pahlavi Period of Iran and Britain with Emphasis on Metaphors\*

### Abstract:

Considering the importance of metaphors in the design of the second Pahlavi royal emblem of Iran and Britain, the question is: What is the impact of visual metaphors on comprehending the final beauty of the two royal emblems? The goal and path is based on the analysis of structural elements to advance towards identifying the type of visual metaphors and their aesthetic features. It is a comparative research with a descriptive-analytical method that enumerates the similarities and differences. The method of data gathering is library information collection. The research approach is based on the theorists in cognitive and aesthetics field of research.

After considering several elements in the royal emblems of the two countries, the similarities between the two emblems are as follows: in the center of both emblems, the image of a shield can be seen, which consists of four parts. In the second Pahlavi emblem, the national signs of the Achaemenid, Sassanid, Islamic, Qajar periods can be seen around the first Pahlavi one. The British royal emblem also shows the image of the three lions of England in the first and fourth quarters. The Scottish standing lion also belongs to the second quadrant and the image of the Irish harp also belongs to the third quadrant. The use of crown and lion is also one of the similar points between both Iranian and English emblems. Both of them use mythical animals or hybrid creatures such as phoenix, Farvahar and unicorn. Both of them have supports or ribbons with a royal slogan placed in the below section of the emblems. Justice in the second Pahlavi emblem is like a divine gift to the king. In the British emblem, the kingdom is a kind of divine entitlement from God, which is given to the king as a judge. The differences are as follows: the emblem of Britain uses its belt and along with the buckle instead of hanging on the cross or Mary's ascension. It can be seen in the Pahlavi emblem by means of a chain, and also the vine leaves around the shield, the torpedo mouth arabesques, and the flower motifs are among



\*The Present Paper is Extracted from the MA. Thesis by Sajedeh Nikian, Entitled: "Analysis of the Aesthetic Effect of National Emblems of Six Countries According to the Cognitive Approach"

### Sajedeh Nikian

MA. Department of Art Research, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran.  
sajedeh.nikian@semnan.ac.ir

### Farideh Afarin

Associate Professor, Department of Art Research, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran,  
Corresponding Author.  
f.afarin@semanan.ac.ir

Date Received: 2022-09-28

Date Accepted: 2023-01-09

1-DOI: 10.22051/PGR.2023.41903.1190

the decorations of the Pahlavi emblem. Thistle (symbol of Mary's virginity and Christ's crown), Theodore's rose (symbol of the union of the houses of York and Lancaster) and clover (symbol of St. Patrick) are among the decorative elements of the British emblem. The rising sun in the center of the Pahlavi royal emblem is not seen in the British. The final difference can also be stated in the placement of two guard lions around the Pahlavi emblem and the placement of a unicorn and a lion in the British one. The second pahlavi emblem has more hybrid creatures, while the unicorn is the only mythical creature of the British emblem. In the emblem of Britain, the helmet of the knights can be seen and it suggests a human whose body seems empty, while in the second Pahlavi one, it is more difficult to recognize such a thing due to the lack of leaves to suggest hair. The origin of metaphors in the second Pahlavi royal emblem shows the following purposes in order. Crown implies the material concepts such as royalty and kingdom power, shield states guarding the country and the sword indicates spiritual concepts such as the importance of Shiism. The lion shows the purposes such as protection, courage and Imam Ali (peace be upon him). Farvahar means divine and spiritual forces and indicates the Achaemenid period, phonix (simurgh) states the cosmic and supernatural forces and suggest Sassanid era, Damavand implies the mythological and Pahlavi era of Iran. Blue, yellow, and red colours, respectively, choose the brightness and spirituality; wisdom and blessing; happiness and prosperity as their destinations. Origin of Metaphors in British Royal emblem show the purposes as follows: crown implies the spiritual growth and enlightenment, golden helmet indicates the Royal family and chivalry, standing lion means the king and guardian of the worldly force, the horizontal lion implicates the power of the kingdom, the unicorn indicates Christ and Patron, the belt shows the power-covenant and ascension to heaven, three horizontal lions

decision making- foresight, also is the sign of England, harp shows spiritual growth -Irish Gods and country, the Standing Lion indicates broad-handed and long-armed, also indicates Scotland, full shield; is a sign of Great Britain and the United Kingdom. Metaphor in white, red, yellow, blue, green, red and white colours, respectively, implies purity and innocence; lordship and virtue of ruling; The power of the sun and blessing-kingdom; spirituality-spiritual growth; life and immortality; The union of the kingdom (York and Lancaster houses in past and two other contries in present) is the destination. From the common purposes of the two emblems, the need to confirm religion, guarding and protecting, and the importance of the kingdom's power on earth, and the importance of the king are inferred. In the Pahlavi emblem, different historical eras and their unity are understood, while in the royal emblem of the United Kingdom, the united countries are more important than the historical period of England itself. The spiritual dimension is more prominent in the emblem of Britain. It is as if more universal concepts are needed to unite different countries. In the second Pahlavi emblem, the historical dimension is more specific, because the Pahlavi period brought together all the proud historical periods in the emblem. The results show that the similarities of structural features is greater than the differences between the two emblems. From a content dimension, the emblem of Britain is more fruitful in terms of the multiplicity of elements. The meanings of each of the elements in the emblems are affected by the political and religious conditions and the cultural and historical precedents of that country. The comparison of the beautifying characteristics, shows that the more visual metaphors, the more complex the design seems to be, and the audience faces more tension and more defamiliarization. The greater the unity or harmony, the greater the possibility of entering to the threshold of beauty. In the emblem of second pahlavi, substitional metaphors are almost equal to

combinational metaphors. In terms of unity, the repetitive designs such as damavand, lion, sword, yellow, and colours like blue show the Pahlavi emblem as coherent and unified. In this design, complexity is more important than unity. In the emblem of Britain, the substitutional metaphors are less than the combinational type. The combinational metaphors cause the unity of discrete parts or components.

For example, in the emblem of Britain, the helmet, the shield and the belt together evoke a royal body and there is less tension in finding the final destination. In this emblem, unity as a beautifying characteristic seems a little stronger than complexity. The results show that the discussion about beauty is not solely dependent on the harmony of the shape and form and colours of emblems or works of art. The conceptual and meaningful dimension also plays an important role in the distinguishing of beauty. The harmony of whole composition and holistic content is really determinant. The beauty of visual metaphors includes both harmony and complexity of formal and content aspects. The historical precedence of the design and construction of the emblem of Britain (from 1837 up to 1952), the structural similarities between the two emblems, reveals the possible influence of the second Pahlavi emblem from the of Britain, although in the design of both emblems, different components with historical, cultural and political themes are understood. Through the study of emblems, it becomes easier to identify the direction of their relation in the future due to important agreements and goals from structural, content and aesthetic aspects. Finally, the study of the royal emblems of two countries makes it possible to identify the perspective of the today goals and future covenants.

**Keywords:** Royal Emblems, Visual Metaphors, Beautifying Characters, Unity, Complexity.